

## فلسطین همانا اسم شب است

در تجمع بزرگ همبستگی با مردم فلسطین که روز سه شنبه ۹ آوریل در بیروت برپا شد، شاعر بزرگ فلسطینی، محمود درویش، از شهر اشغال شده رام الله پیامی تلفنی خطاب به تجمع مزبور فرستاد که ترجمه ای از آن را می خوانید. با سپاس از شاعر گرانمایه نعمت آرزم که با خواندن این متن قبل از چاپ، به روانی و زیبایی آن افزود. تراب حق شناس

«امروز همه درک می کنیم که ما را توان آن نیست که تک و جداگانه به سوی آینده گام برداریم و نیز اینکه دفاع از ملت خودتان، ملت فلسطین، دفاع تک تک شما از سرنوشت شخصی خویش است. اینک سرزمین فلسطین است که از فضای جغرافیایی اش سرریز شده است. خون محدود شده اش را گسترش داده و دیگر مرزی ندارد و خود، روح و معنای گوهر وجود انسانی ما شده است. هم اکنون انسانیت در کلیت خویش، وجدانش را می آزماید و پیکرش را بر صلیب نوین لمس می کند. بر هر سرزمینی، مسیحی از آن خاک بر می خیزد و به آسمان فراز می شود و تنها از آن رو بار رنج را بر دوش می کشد که رهایی جهان را مژده دهد. دست های رنج نمادهای بزرگ را می سازند، اما فلسطین خواستار چیزی ست ابتدایی تر، اگر بتواند به سوی آن راه یابد.

فلسطین می خواهد تا شور زندگی، چموشی تاریخ وحشی را رام کند؛ مگر نه این است که در سرانجام نیک بخشیدن به ثنویت خون و شمشیر خویشتن را به حد کافی آزموده است. فلسطین دیگر، بیش از این، مجال برای پذیرش رسالت های آسمانی ندارد. خدا همه چیز به گوش او فرو خوانده است، اما در آن بزهکاری های تجاوزگران امروز نیز یافت می شود که خشم انبیاء را بر می انگیزند و زمین را با خون شهیدان مزارآباد می کنند. نه تنها از آن رو که آزادی سیری ناپذیر همچنان تشنه خون است، بل به خاطر آنکه ساکنان تانک و خرافات نمی خواهند از آن برون آمده به زندگی طبیعی درآیند. به این دلیل ساده که در زندگی، ما را نیز حقی ست و آن ها از تقسیم زندگی با دیگری ناتوان اند. فلسطین در آتش می سوزد و وجدان جهانی دچار خفگی ست و ققنوس از نقش جاودانه خود هرگز دست برنخواهد داشت، اما به ما مژده می دهد که پس از ادغام واقعیت در اسطوره و بعد از آنکه اسطوره در سرزمین واقعیت با پاهای برهنه به شورش برخاست، دیگر به آغاز فاجعه بار خویش باز نخواهد گشت.

ما پیروز خواهیم شد، زیرا عاجز از هزیمت ایم؛ و پیروز خواهیم شد زیرا اشغال عاجز از پیروزی ست. اشغال، هربار در عرصه نظامی پیروز شد، بیش از پیش در بن بست وجود خود فرو رفت و نتوانست برای اثبات مشروعیت اخلاقی خود حتی یک پاسخ بیابد و هرگاه در اینجا و آنجا صلحی به دست آورد صناعت ترس از گشایش درهای قلعه به سوی افق را تکامل بخشید، لذا به جنگ بازگشت، چرا که جنگ تنها وسیله در دست او ست تا هویت خویش را از خطر گشایش به روی غیرخودی حفظ کند.

گتو غایت او ست و فرهنگ نفرت همانا اصالت است. پس، چگونه می توان صلح را بر کسی تحمیل کرد که با آن می جنگد و کشمکش را به نقطه آغازش باز می گرداند.

نسل جوان عرب که در سایه قراردادهای صلح و پس از آن به دنیا آمده، همان نسلی ست که رفتار اسرائیل وی را متقاعد کرده است که گفتمان صلح با واقعیت موجود چقدر در تناقض است. این همان نسلی ست که کوچه و خیابان کشورهای عرب را با خشم انباشته است، خشم بر نظام سیاسی عربی که از مجازات اسرائیل به خاطر جنایت های روزمره و مستمرش علیه خلق فلسطین ناتوان است.

پس، خوشا به حال اسرائیل که توانسته است مردم کوچه و خیابان عرب را علیه کسانی متحد کند که صلح او را باور می کنند، همچنین خوشا به حال او که با عزلت اخلاقی اش از وجدان مردمی جهانی که از هرسو احاطه اش کرده خود را در جایگاه سزاوارش به عنوان يك دولت نژادپرست و یاغی نسبت به قوانین بین المللی و ارزش های انسانی بازیافته است.

چنین است که محاصره شده محاصره کننده را محاصره می کند. فلسطینی، دیگر تنها نیست، یاسر عرفات این شهید زنده، دیگر تنها نیست. با بازگشت مردم کوچه و خیابان عرب به سیاست و بازگشت سیاست به فضای حیاتی خود در جامعه، شعاع وجود فلسطینی گسترش یافته است، اما بین موضع مردم و موضع رسمی دولت ها فاصله هرچه گسترده تر شده به حدی که مردم یاد می گیرند پرسش دموکراسی را با تأثیر و کارائی هرچه بیشتر مطرح کنند.

اکنون می توانیم این سخن را تکرار کنیم که فلسطین برای کل ملت عرب همانا اسم شب است.

فلسطینی، دیگر تنها نیست، چرا که خورش در رگ های میلیون ها نفر می تپد و فلسطین سرریز شده از مرزهای خویش، یکی از آرمان های اخلاقی بزرگ این عصر شده است. این خود نخستین نشانه های پیروزی ست و ما را گزینشی جز مقاومت تا پیروزی نیست. متشکرم».